



تاریخ‌نگاری محلی اسلامی - ایرانی
در شبه‌قاره هند
(از اوایل قرن هفتم تا اواسط قرن دوازدهم هجری)

دکتر محمدحسین ریاحی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۵

ریاحی، محمدحسین، ۱۳۳۹- .
تاریخ‌نگاری محلی اسلامی - ایرانی در شبه‌قاره هند (از اوایل قرن هفتم تا اواسط قرن دوازدهم هجری) /
محمدحسین ریاحی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
هشت، ۳۲۷ص: مصور، جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۳۸۴: تاریخ: ۹۰)
ISBN: 978-600-298-147-9
بها: ۱۶۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۳۰۵]-۳۱۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. ایران - تاریخ‌نویسی - قرن ۷-۱۲ق. ۲. تاریخ‌نویسی - هند. ۳. ایران - تاریخ محلی. الف. پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۵ ۲ ت ۹۴ / DSR ۹۰
شماره کتابشناسی ملی
۹۵۵ / ۰۰۷۲
۴۶۰۰۷۰۰



تاریخ‌نگاری محلی اسلامی - ایرانی در شبه‌قاره هند (از اوایل قرن هفتم تا اواسط قرن دوازدهم هجری)

مؤلف: دکتر محمدحسین ریاحی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰

ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

فروش اینترنتی:

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» و «تاریخ اسلام» در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات تاریخ محلی در شبه‌قاره هند تهیه شده است. همچنین با توجه به نقش ایرانیان و نیز تأثیرگذاری تشیع در بسیاری از مناطق و ایالات این قلمرو پهناور، جهت رشته‌های «ایران اسلامی» و «تاریخ تشیع» نیز قابل استفاده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مولف محترم جناب آقای دکتر محمدحسین ریاحی و نیز ارزیاب گرامی جناب آقای دکتر احمدرضا بهنیا فر سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات	۵
۱-۱. تاریخ‌نگاری محلی چیست؟	۵
۲-۱. محتوای تاریخ‌های محلی	۷
۳-۱. پیشینه تحقیق در تاریخ‌نگاری محلی هند	۹
۴-۱. اهداف تحقیق	۱۴
۱-۴-۱. پرسش‌ها	۱۵
۲-۴-۱. فرضیه‌ها	۱۵
۵-۱. معرفی و نقد منابع	۱۶
۱-۵-۱. تاریخ‌های محلی	۱۶
۲-۵-۱. فهرست‌ها در تاریخ‌های محلی	۱۶
۳-۵-۱. منابع ادبی	۱۸
۴-۵-۱. تاریخ‌های تاریخ‌نگاری	۲۱
فصل دوم: شکوفایی فرهنگ و ادب فارسی در هند و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری محلی فارسی	۲۳
۱-۲. تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی در تاریخ‌نگاری هند	۲۳
۲-۲. اهتمام مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان به هند	۲۴
۳-۲. نقش زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایران در تحولات علمی شبه‌قاره	۲۸
۴-۲. تاریخ‌نگاری فارسی، اصلی‌ترین نوع تاریخ‌نگاری اسلامی در شبه‌قاره	۳۰
۵-۲. تاریخ‌نگاری هند قبل از اسلام	۳۱
۶-۲. ادوار تاریخ‌نگاری فارسی در هند	۳۲
۱-۶-۲. تاریخ‌نگاری فارسی از ابتدا تا آغاز عهد بابری	۳۲
۲-۶-۲. نخستین نوشته‌های تاریخی فارسی در شبه‌قاره	۳۲

۳۳	۳-۶-۲. تداوم، رشد و شکوفایی بیشتر تألیفات تاریخی تا ابتدای دوره بابرین
۳۴	۴-۶-۲. صبغة تاریخی آثار منظوم
۳۴	۵-۶-۲. دیدگاه‌های مورخان اسلامی هند به تاریخ
۳۵	۶-۶-۲. تأثیر شکوفایی زبان و ادب فارسی در عصر بابر بر پیشرفت تاریخ‌نگاری
۳۵	۷-۶-۲. اهتمام به تاریخ‌نویسی فارسی در دوره اعتلا و عظمت تیموریان در شبه‌قاره
۳۶	۸-۶-۲. دوران سلطنت اکبرشاه عصر طلایی تاریخ‌نگاری فارسی
۳۸	۹-۶-۲. ارکان مهم تاریخ‌نویسی فارسی دوره تیموریان هند
۳۹	۱۰-۶-۲. دوره جانشینان اکبر
۴۰	۱۱-۶-۲. بررسی برخی تألیفات تاریخ‌نگاری عهد گورکانی
۴۲	۷-۲. انواع تاریخ‌نگاری فارسی در شبه‌قاره و جایگاه تاریخ محلی
۴۲	۸-۲. عوامل افول تاریخ‌نگاری فارسی و جایگزینی زبان اردو
۴۴	۹-۲. عوامل تأثیرگذار بر ایجاد حکومت‌های منطقه‌ای در هند
۴۵	۱۰-۲. چرایی و عوامل مؤثر شکل‌گیری و تألیف تاریخ‌های محلی هند به فارسی
۴۶	۱۱-۲. جغرافیای محلی‌نگاری فارسی در شبه‌قاره هند
۴۷	۱۲-۲. سابقه تاریخ‌نگاری محلی شبه‌قاره در عهد باستان
۴۷	۱۳-۲. پیشینه تاریخ‌نگاری محلی فارسی در شبه‌قاره
۴۹	۱۴-۲. آغاز تاریخ‌نگاری محلی فارسی در هند
۵۰	۱۵-۲. انواع تاریخ‌های محلی از سال ۶۱۳ تا ۱۱۵۰ق
۵۲	۱۶-۲. ویژگی‌های تاریخ‌های محلی هند
۵۳	۱۷-۲. پراکندگی زمانی تاریخ‌های محلی از قرن هفتم تا نیمه قرن دوازدهم هجری
۵۴	۱۸-۲. پراکندگی جغرافیایی تاریخ‌های محلی شبه‌قاره از قرن هفتم تا دوازدهم هجری
۵۴	۱۹-۲. ضعف‌های تاریخ‌های محلی هند از قرن هفتم تا نیمه قرن دوازدهم هجری
۵۵	۲۰-۲. خاستگاه نویسندگان
۵۶	۲۱-۲. انگیزه‌های نویسندگان
۵۷	۲۲-۲. مخاطبان تاریخ‌نامه‌های محلی
۵۸	۲۳-۲. بیان ساختار و محتوا
۵۹	۲۴-۲. منابع تاریخ‌های محلی هند
۶۰	۲۵-۲. مقایسه کوتاه محلی‌نگاری شبه‌قاره با دیگر تاریخ‌های محلی جهان اسلام
۶۱	۲۶-۲. مورخان و محققان معاصر شبه‌قاره و تاریخ‌نگاری فارسی
۶۳	فصل سوم: تاریخ‌نگاری محلی فارسی در سند
۶۳	۱-۳. سند
۶۵	۲-۳. فتح‌نامه سند؛ چچ‌نامه
۶۹	تحلیل و بررسی محتوای کتاب

۷۹	۳-۳. تاریخ سند محمد بن معصوم بکری؛ تاریخ معصومی
۸۶	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۹۴	۳-۴. تاریخ طاهری؛ بلدة تته
۹۸	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۱۰۳	۳-۵. بیگلارنامه
۱۰۷	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۱۱۱	۳-۶. مظهر شاه‌جهانی؛ مظهر التدبیر
۱۱۸	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۱۲۳	۳-۷. ترخان‌نامه
۱۲۹	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۱۳۳	فصل چهارم: تاریخ‌نگاری محلی فارسی در کشمیر
۱۳۳	۴-۱. کشمیر
۱۳۸	۴-۲. راج ترنگینی؛ کهن‌ترین تاریخ کشمیر
۱۳۹	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۱۴۲	۴-۳. تاریخ رشیدی؛ تاریخ میرزا محمدحیدر دوغلات
۱۴۷	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۱۵۴	۴-۴. بهارستان شاهی؛ نامه شاهان کشمیر
۱۵۷	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۱۶۸	۴-۵. تاریخ کشمیر؛ تاریخ حیدرملک
۱۶۹	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۱۷۳	فصل پنجم: تاریخ‌نگاری محلی فارسی در دکن، گجرات و مالوه
۱۷۳	۵-۱. دکن
۱۷۵	۵-۲. برهان مآثر
۱۷۹	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۱۹۰	۵-۳. تاریخ فرشته؛ گلشن ابراهیمی
۱۹۶	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۲۱۱	۵-۴. گجرات و مالوه
۲۱۶	۵-۵. تاریخ مظفرشاهی؛ فتح ماندو - شادی‌آباد
۲۱۸	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۲۲۱	۵-۶. ظفرنامه احمدآباد؛ اکبرنامه
۲۲۳	تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۲۲۵	فصل ششم: تاریخ‌نگاری محلی فارسی در دهلی و پنجاب
۲۲۵	۶-۱. دهلی

۲۲۶ ۲-۶. تاریخ مبارک‌شاهی
۲۲۹ تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۲۳۸ ۳-۶. هفت اقلیم
۲۴۵ تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۲۵۳ ۴-۶. پنجاب
۲۵۵ ۵-۶. بررسی تاریخ‌های محلی پنجاب
۲۵۵ ۱-۵-۶. تاریخ پنجاب (تاریخ پرسرور و سیالکوت)
۲۵۵ ۲-۵-۶. رساله صورت حال یا مسودات صورت حال
۲۵۵ ۳-۵-۶. فتوحات‌نامه صمدی
۲۵۶ ۴-۵-۶. کی گوهرنامه
۲۵۶ ۵-۵-۶. تاریخ گهکران
۲۵۶ ۶-۵-۶. اسرار صمدی
۲۵۷ ۷-۵-۶. تاریخ و جغرافیای پنجاب
۲۵۹ تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۲۶۷ فصل هفتم: تاریخ‌نگاری محلی فارسی در بنگال و آسام
۲۶۷ ۱-۷. بنگال
۲۶۸ ۲-۷. بهارستان غایبی «غیبی»
۲۶۹ تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۲۷۰ ۳-۷. آسام
۲۷۲ ۴-۷. فتحیه عبریه؛ تاریخ آسام «آسام»
۲۷۵ تحلیل و بررسی محتوای کتاب
۲۸۳ جمع‌بندی
۲۹۱ ضمیمه‌ها (شکل‌ها و جدول‌ها)
۳۰۵ منابع و مأخذ
۳۱۹ نمایه اماکن

مقدمه

نگارنده در این تألیف درصدد ارائه آثار و کتاب‌هایی است که در طی چندین قرن در مناطق و ولایات هند و در موضوع تاریخ محلی به زبان فارسی نوشته شده‌اند و بسیاری از آنها می‌توانند تبیین‌کننده اوضاع و احوال این سرزمین و موقعیت تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و موارد دیگری در باب ایالات این قلمرو کهن و پهناور که بدان اطلاق شبه‌قاره شده، باشند.

اگرچه نزدیک به دو قرن است زبان فارسی که هم زبان دینی مسلمانان و هم زبان دربار، اداری و دیوانی هند به شمار می‌رفت به دلایلی از جمله سلطهٔ بریتانیا رو به زوال و خاموشی گذاشت، اما امروزه یافتن تاریخ بسیاری از مقاطع و ادوار این سرزمین به شناخت و بررسی این قبیل آثار و تألیفات بستگی دارد.

کتاب پیش رو که به بررسی تاریخ‌های محلی فارسی شبه‌قاره هند از قرن هفتم تا نیمه قرن دوازدهم هجری پرداخته است، موفق به اخذ و یافتن شماری از آثار در این حیطة زمانی نشد و این موضوع دلایل متعددی داشت؛ از جمله مهم‌ترین آنها را می‌توان انقطاع و فاصله‌ای دانست که به دلیل تغییر زبان فارسی به عنوان زبان دوم پدید آمده بود و این تغییر ضربه‌ای مهلک به میراث‌های فراوانی بود که در طی چندین قرن حاصل شده بودند و شاکله تمدن بزرگ هند در دورهٔ اسلامی به‌ویژه عصر تیموریان به شمار می‌آمدند. این بریدگی رفته‌رفته دستاوردهای بسیار را به فراموشی و فنا داد و بیگانگی تدریجی نسل‌ها نسبت به فرهنگ ایرانی-اسلامی و ادب فارسی را در پی داشت؛ به طوری که متأسفانه امروزه زبان فارسی متروک شده و آثار بسیار مربوط به آن، کم‌کم در حال حذف و محو شدن هستند. پروفیسور یونس جعفری که عمری را در تبیین فرهنگ و تاریخ و شاهکارهای ادبی فارسی و تصحیح و تنقیح آن به کار گرفته است، و نگارنده نیز در طول مدت حضور در هند نشست‌های بسیار و گفتگوهای فراوان در زمینه موضوع

تاریخ‌نگاری محلی به زبان فارسی در شبه‌قاره با وی داشتیم، این گونه می‌گفت: بیشتر این تاریخ‌ها یا از میان رفته‌اند یا اینکه تنها نامی از آنها باقی مانده یا برخی از آنها در موزه‌ها و مراکز دولتی محبوس و مضبوط هستند. وی یادآور شد خود او هم روزگاری در صدد این کار بوده، ولی به دلیل مشقات، یا فقدان این گونه آثار از این کار چشم‌پوشی کرده است.

به‌رغم تلاش‌های خوب و نسبتاً مناسب برخی محققان هندی یا پاکستانی در عصر حاضر در تبیین و بررسی آثار فارسی، از جمله کتاب‌های تاریخ و تذکره‌ها که در این میان معرفی و تحلیل تاریخ‌های محلی نیز دیده می‌شود، نوشته‌های این افراد چندان قوی و همراه با نقد و توضیح نیستند، در این میان می‌توان به تألیفات برخی شخصیت‌ها، مانند ظهورالدین احمد، آفتاب اصغر، یا سیدعلی رضا نقوی اشاره کرد.

در میان پژوهش‌ها و تحقیقات خوب و نسبتاً مناسب در ایران در سال‌های اخیر در باب شبه‌قاره هند، مواردی از مقالات محدود و مختصر در دانش‌نامه‌ها، دائرةالمعارف‌ها، یا بعضی مجلات و نشریات دیده می‌شوند که به‌رغم موارد قوت و مثبت در برخی نوشته‌ها، برخی نیز در حد متوسط، یا ضعیف هستند و تعدادی از روی همدیگر نوشته و تکراری‌اند. از میان گام‌های ارزنده اخیر تألیف و تدوین جلد چهارم دانش‌نامه ادب فارسی، در خصوص شبه‌قاره و در جهت معرفی و احیای موارث ارزشمند آن است.

از دیگر مشکلات تحقیق آن بود که در مراجعه به کتابخانه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی دهلی و برخی شهرهای دیگر هند نیز که آثاری از منابع و تألیفات فارسی در آنها وجود داشت، با توجه به درخواست و حتی اصرار برای رؤیت شماری از کتاب‌ها هیچ اهمیتی داده نمی‌شد و حتی برای تورق لحظه‌ای اثر نیز مجوزی داده نشد. برای نمونه، در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه علیگر، یا کتابخانه ندوةالعلمای لکهنو این گونه رفتار شد.

به‌رغم اینکه در برخی دانشگاه‌های هند از جمله دانشگاه دهلی به‌ویژه در سال‌های اخیر درباره چاپ آثار و نشر فرهنگ و ادب ایرانی کوشش‌هایی انجام شده است که در این راستا می‌توان به فعالیت‌های گروه زبان و ادب فارسی اشاره کرد؛ اما در کتابخانه آنجا، یا فعالیت‌های رایج آن، جایگاه چندان از تاریخ‌های فارسی به‌ویژه تاریخ‌های محلی شبه‌قاره یافت نمی‌شود.

نکات تازه‌ای که در این کتاب آمده‌اند می‌توانند نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری تاریخ ایران اسلامی در وجوه مختلف در شبه‌قاره باشند که این موضوع بیشتر در جنبه‌های فرهنگی و معنوی قابل توجه است. همچنین این مسئله به یک دوره محدود و منحصر نیست، بلکه پیش از ده قرن

ادامه یافته است. همچنین بررسی این گونه تألیفات می‌تواند اهمیت فوق‌العاده‌ای در بازنویسی تاریخ شبه‌قاره و مناطق آن در ادوار گذشته به‌ویژه از قرن هفتم تا دوازدهم هجری داشته باشد؛ زیرا بسیاری از این آثار به دلیل خاموشی زبان فارسی در آن سرزمین متروک و مهجور شده، یا از میان رفته‌اند.

کتاب حاضر در هفت فصل تدوین شده است:

فصل اول، مشتمل بر کلیات است که ضمن معرفی تاریخ‌نگاری محلی به اهمیت و مواد تشکیل‌دهنده این آثار، پیشینه و معرفی منابع پژوهش پرداخته است.

فصل دوم، که با عنوان شکوفایی فرهنگ و زبان و ادب فارسی در هند و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری محلی فارسی تألیف شده است، به اثرگذاری فرهنگ و تمدن اسلامی و نقش ایرانیان مسلمان، زبان و ادب فارسی در تحولات شبه‌قاره و ادوار تاریخ‌نگاری فارسی و علل افول آن و نیز به پراکندگی زمانی، مکانی و جایگاه و انگیزه نویسندگان، ساختار محتوا و مخاطبین این آثار اشاره کرده است.

فصل سوم، به تاریخ‌های محلی سند پرداخته شده و افزون بر معرفی کتاب‌ها، احوال و آثار مؤلفان، مزایا و معایب تألیف و نسخه‌ها، به بررسی محتوایی و ارزش، جایگاه و اهداف آنها پرداخته است. این نکته شایان توجه است که این رویه در کتاب حاضر نیز تقریباً درباره تاریخ‌های محلی دیگر مناطق هند کم و بیش صورت پذیرفته است.

فصل چهارم، با مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری کشمیر آغاز شده و افزون بر تحلیل جایگاه کشمیر در آثار تاریخ‌نگاری، تأثیرگذاری قابل‌اعتنای ایران و ایرانیان بر کشمیر، از جمله مسائل پژوهش است؛ چون کشمیر به ایران صغیر موسوم و مشهور است.

فصل پنجم، عهده‌دار بررسی تاریخ‌های محلی مربوط به دکن، گجرات و مالوه است، با توجه به اهمیت تاریخ دکن، به‌ویژه حکومت‌های ایرانی تبار آن و ابعاد تأثیرگذاری آنان اطلاعاتی نظیر سلسله‌ها، حوادث، بلاد و مسائل فرهنگی، اقلیمی و فتوحات در این فصل آمده‌اند.

فصل ششم به نقد و تحلیل تاریخ‌های محلی دهلی و پنجاب پرداخته و با استناد به منابع تاریخی، تذکره‌ها، اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و وقایع سیاسی، اقوام، فرقه‌ها و مذاهب آنجا نیز بررسی شده است.

آخرین فصل در بیان تاریخ‌نگاری محلی در بنگال و آسام (آسام) به دو مورد از این تاریخ‌ها در عصر گورکانی می‌پردازد و با نقد و بررسی این آثار، جایگاه بنگال و آسام از جهات مختلف، از

جمله امور نظامی و استراتژیک در قلمرو بابریان تحلیل شده و به مسائل جغرافیایی، تاریخ و فرهنگی آن نیز توجه می‌شود.

در پایان پژوهش، جمع‌بندی، نتیجه‌گیری آمده و با استناد به نتایج به دست آمده از بررسی متن، ویژگی‌های بدیع و نوآوری‌های این تحقیق بیان شده و دیدگاه‌ها و پیشنهادهایی نیز برای تحقق یافتن اهداف نیز مطرح شده است. ضمائم کتاب نیز که مشتمل بر نقشه‌ها، نمودارها و جدول‌هاست و درحقیقت کوششی برای نشان دادن تصویری روشن‌تر از آمار و اطلاعات مندرج در تحقیق بوده است، در پایان کتاب آمده‌اند.

در پایان لازم است تقدیر خود را از آقایان دکتر اصغر منتظرالقائم، دکتر سیداصغر محمودآبادی، دکتر محمدعلی چلونگر، دکتر مرتضی نورایی، دکتر مصطفی پیرمادیان و دکتر کریم نجفی برزگر که در تألیف این اثر راهنمایی‌های ارزنده آنان بهره برده‌ام، ابراز دارم.

همچنین از همکاری و محبت استادان ارجمند دکتر مهدی خواجه پیری، پروفیسور یونس جعفری، دکتر محمدرضا نصیری، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر غلامرضا مهدوی رئیس سابق جامعه‌المصطفی‌العالمیه در دهلی و همکاران محترم ایشان در ایران (قم و اصفهان) و هند و نیز دکتر محسن معصومی و دکتر علیرضا قزوه و دکتر سیداحمد عقیلی تشکر و قدردانی کنم.

تلاش‌های بی‌دریغ پژوهشگاه محترم حوزه و دانشگاه در گسترش آثار در باب فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلامی ستودنی است که مناسبت دارد سپاسگزار تلاش‌های حجت‌الاسلام والمسلمین رمضان محمدی و همکاران ارجمندشان در این راستا باشم.

بهار ۱۳۹۵

محمدحسین ریاحی

فصل اول

کلیات

۱-۱. تاریخ‌نگاری محلی چیست؟

تاریخ‌نگاری محلی،^۱ با نظری به فهرست کتاب‌های تاریخی، به دسته‌ای گسترده از منابع مکتوب اشاره دارد که به ویژگی محل، منطقه، شهر، روستا یا مرزبند‌های کم و بیش مشخص و با مردمانی دارای علقه‌ها و مشخصه‌های غالباً مشترک می‌پردازد که عموم محققان به آن «تاریخ محلی» نام نهادند (ر.ک: عاروان، ۱۳۹۱، ش ۲۴، ص ۱۶۸) بنابراین، می‌توان گفت تاریخ محلی – در مقایسه با تاریخ عمومی – تاریخی است که به یک مکان جغرافیایی محدود می‌پردازد. در واقع، کانون و هدف اصلی تاریخ‌نگاری محلی، مکانمند شدن موضوع تاریخ‌نگاری است (ر.ک: نورایی، ۱۳۹۱، ش ۴، ص ۱۶۸).

از آنجا که موضوع کتاب حاضر بررسی تاریخ‌نگاری محلی هند است، اولین مسئله بررسی و تبیین موقعیت جغرافیایی این سرزمین است. جغرافی‌نویسان مسلمان اصطلاح هند را برای شرق رود سند به کار برده‌اند، یا سرزمین‌های میان رودهای سند و گنگ را هند نامیده‌اند (ر.ک: مقدسی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۰۱ و ۷۰۲؛ اصطخری، ۱۳۶۸، ص ۱۵۰؛ جیهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۳ و ۱۳۴) بعدها اصطلاح هند برای کل نواحی شمال شبه‌قاره که با دکن از نواحی جنوبی جدا می‌شود به کار رفته و حتی گاه به کل شبه‌قاره اطلاق می‌شده است (بهنیافر، ۱۳۹۳، ص ۲۳) شبه‌قاره هند امروزه دربرگیرنده چندین کشور مستقل از جمله هند، پاکستان، بنگلادش و سریلانکا (سیلان) است که بیشترین قلمرو آن متعلق به جمهوری هند است. درحقیقت هندوستان به شکل شبه‌جزیره عظیمی است در جنوب آسیا و به شکل مثلثی است که قاعده آن

1. local historiography

در شمال هیمالیا و حدود تبت و رأسش در جنوب دماغه کماری است و مساحت آن بالغ بر ۳ میلیون و ۹۶۰ هزار کیلومتر مربع است (شکل شماره ۱).

در تاریخ‌نگاری محلی شبه‌قاره برخی مناطق شاخص بوده و اهمیت خاصی دارند، از جمله می‌توان از سند^۱ نام برد. این ناحیه از قدیمی‌ترین بخش‌های شبه‌قاره هند محسوب می‌شود که شامل سرزمین‌های میان کشمیر در شمال، اقیانوس هند در جنوب، سیستان در غرب و صحرای دثار در شرق است (شکل شماره ۲) ایالت پهناور سند که در شمال و شرق شبه‌قاره واقع شده و پس از تجزیه پاکستان از هند، قسمت اعظمی از این سرزمین را تشکیل می‌دهد، از جمله مناطق باستانی و حاصلخیز محسوب می‌شود و بیشتر حاصلخیزی آن به واسطه رودخانه سند یا ایندوس است که از فلات تبت سرچشمه گرفته و در نزدیکی بندر کراچی به دریای عمان می‌پیوندد. تمدن موهنجودارو، نخستین فرهنگ شهری شناخته‌شده در شبه‌قاره هند است (بهنیافر، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

همچنین کشمیر^۲ ناحیه‌ای کوهستانی، زیبا، پرآب و حاصلخیز در شمال غربی هند واقع شده و قسمت‌هایی از هیمالیا و قراقرم در آن است که رود سند از آن می‌گذرد و دره‌های باریک ولی پرجمعیت‌اند (شکل شماره ۳) بزرگ‌ترین شهر آن «سری‌نگر» و دره «جهلوم» پرجمعیت‌ترین قسمت کشمیر و مرکز کشاورزی و اقتصاد آن است. صنایع دستی کشمیر از گذشته تاکنون شهرت دارند و پارچه‌های ابریشمی آن معروف‌اند. منطقه کشمیر از سال ۱۹۴۷م، و پس از جنگ جهانی دوم مورد اختلاف دو کشور هند و پاکستان قرار گرفت و امروزه قسمت عمده آن در تصرف هند است (رادفر، ۱۳۸۵، ص ۹؛ مصاحب، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۲۲۶).

جنوب هند به‌ویژه دکن^۳ نیز اهمیت دارد، دکن واژه‌ای سانسکریت و به معنای راست یا جنوب گفته شده و برای نامیدن جنوب شبه‌قاره هند به کار رفته است. محدوده جغرافیایی دکن از نظر سیاسی در طول تاریخ ثابت نبوده و تغییراتی را به خود دیده است. مسلمانان از قرن‌های نخستین هجری از طریق خشکی و دریا روابط گسترده‌ای با جنوب هند داشته و وارد دکن شده‌اند. از جمله مهم‌ترین و مقتدرترین سلسله‌های مسلمان شبه‌قاره، بهمنیان دکن هستند. تاریخ‌نگاری اسلامی، به‌ویژه به فارسی در دکن سابقه‌ای طولانی و درخشان دارد (معصومی، ۱۳۸۹، ص ۳۵-۳۷؛ حکمت، ۱۳۳۷، ص ۴). به بیان دقیق‌تر، دکن فلاتی است محدودشده میان

1. Sindh

2. Kashmir

3. Deccan

رودخانه‌های نارمادا و کریشنا، شامل کل ایالت ماهاراشترا و بخش‌هایی از ایالت‌های مادیاپرادش، چتیسگر، اوریسا، آندراپرادش و کارناتاکا، ارتفاع متوسط این منطقه آن حدود ششصد متر است (شکل شماره ۴).

شرق هند نیز از جمله بنگال^۱ دارای تاریخ‌های محلی است. نام بنگال یا بنگاله، از کلمه «بنگا» یا «ونگا» گرفته شده است و سرزمین بنگال امروزه قسمتی از شرق هندوستان و نیز کشور بنگلادش را شامل می‌شود (شکل شماره ۹) از این قوم غیر آریایی در متون حماسی قدیم به زبان سانسکریت و کتب مذهبی هندوان و همچنین ادبیات بودایی (میلنداینهو) یاد شده است. در گذشت زمان این نام بر سرزمینی اطلاق شد که این قوم در آن می‌زیستند. بنگای (بنگال) در دوران پادشاهان پال و سین ناحیه کم‌وسعتی در ساحل شرقی رود گنگ و دلتای آن در جنوب بنگال کنونی بود. بنگال غربی را «رادها» و بنگال شمالی را «پوندراوردهن» می‌نامیدند. بر این نواحی، وریندا و لکهنوتی را نیز باید افزود. بخشی از بنگال شمالی و غربی را «گور» نیز می‌گفتند. اما گاهی این نام بر سراسر بنگال اطلاق می‌شده است. نویسندگان مسلمان قدیم، بنگال جنوبی را بنگ یا بنگا نیز می‌نامیدند (امام‌الدین، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۳۳-۳۳۵).

۱-۲. محتوای تاریخ‌های محلی

تاریخ‌نگاران محلی بیش از دیگر مورخان با انبوه وقایع جزئی و خُرد مواجه‌اند. برخی از این رخدادهای جزئی با روایت‌های گوناگون مواجه‌اند و مورخ تاریخ محلی باید به بیان و بررسی و گزینش اینها دست بزند که کاری دشوارتر پیش رو دارد.

در حوزه تاریخ اجتماعی یا محلی در جهان اسلام، میراث کلاسیک بسیار ارجمندی در دست است که محصول قرن‌ها تلاش و خلاقیت نویسندگان و مورخان مسلمان از صدر اسلام تا دوره معاصر است. شایان توجه است که رویکرد تاریخ اجتماعی در تاریخ‌نگاری دوره اسلامی، کمابیش از سده‌های آغازین اسلامی، قابل بازشناسی است و به‌طور مشخص در قرن‌های میانه می‌توان با تاریخ‌نگاری محلی از آن سخن گفت. بنابراین، برخلاف حوزه‌هایی از علوم انسانی که در واقع، ابداع و تولید قرن‌های جدید در غرب هستند و جهان اسلام در آنها سابقه‌ای ندارد، در تاریخ اجتماعی با رویکرد به تاریخ محلی، جهان اسلام سابقه بسیار مفصلی

1. Bengal

دارد، که اگر پربارتر و متنوع‌تر و قدیمی‌تر از سابقه غربیان نباشد از آن فروتر نیست. سنت تاریخ محلی در تمدن اسلامی در ایران نهاده شد و اوج‌گیری آن در مصر و در اواخر قرن ششم هجری با سنت خط‌نویسی بود. بیشتر مباحثی که به هرم قدرت در گذشته نمی‌پردازند و پیکره اجتماعی را در نظر دارند، در تاریخ محلی بوده‌اند (نورایی، ۱۳۹۱، ش ۱۶۸، ص ۷ و ۱۱) همچنین درباره شهرهای مقدس مسلمانان تاریخ‌های بسیاری نگارش یافته که از نخستین آنها می‌توان تاریخ مکه، اثر حسن بصری (م ۱۱۰ق) را نام برد. از این قبیل آثار تحت عنوان تاریخ‌نامه‌های مقدس محلی یاد شده است، یا با فتوحات شهرها و بلاد، کتاب‌های «فتوح» درباره ایران، عراق و شام نوشته شده‌اند (منتظرالقائم، ۱۳۹۳، ش ۸۰ و ۸۱، ص ۲۵۴ و ۲۵۵).

در حقیقت تاریخ‌نگاری محلی شبه‌قاره هند نیز از این موضوع مستثنا نبوده و با بررسی تاریخ‌های محلی هند می‌توان به این موضوع پی برد که بیشتر این آثار و تألیفات نگرشی بر بسیاری از تحولات اجتماعی و مردمی در بستر تاریخ بوده‌اند.

تاریخ‌های محلی، بیانگر شیوه‌های زندگی مردم در شهرها و نواحی خاصی هستند. این‌گونه کتاب‌ها معمولاً حاوی اطلاعاتی درباره جغرافیای محل، عجایب، فضایل، محاسن، تاریخ بنای شهر، بانی آن، سیر تحولات آن در گذر زمان، بناها و آثار موجود در محل، مزارها، مهم‌ترین حوادث سیاسی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، رجال و شخصیت‌های سیاسی، علمی، ادبی و حتی اساطیر و افسانه‌های مربوط به شهر یا ایالت مورد نظر هستند. نکته مهم آن است که در تاریخ محلی، از تاریخ یک واحد جغرافیایی خاص سخن گفته شده است و این نمی‌تواند در همه کتاب‌هایی که در گذشته و حال به عنوان تاریخ‌های محلی شناخته شده‌اند، به صورت یکسان جلوه‌گر شده باشد. در توضیح این نکته مهم باید اشاره کرد که این معنا در شماری از این آثار تجلی بیشتر پیدا کرده، ولی در شماری دیگر تقلیل یافته است (قنوات، ۱۳۸۷، ص ۳).

تاریخ‌نگاری محلی شبه‌قاره هند به زبان فارسی هم، این‌گونه است. یعنی از جهت تفاوت و تنوع مطالب، دارای تعدد و گوناگونی است. در فصل‌های آینده درباره محتوای تاریخ‌های محلی شبه‌قاره مطالبی آمده است. نگرشی بر این آثار، محتوای موضوعات و مطالب این تاریخ‌ها را بر ما بازگو می‌کند. برای مثال توجه آثاری مانند چیچ‌نامه، بیشتر به مسائلی از قبیل فتح سند از سوی مسلمانان پرداخته است و اطلاعات چندانی درباره مطالب جغرافیایی، یا رجال منطقه در آن وجود ندارد. در حالی که آثار بعدی منطقه سند، مانند تاریخ سند، اثر معصومی یا مظهر شاه‌جهانی به این موضوعات توجه بیشتری کرده‌اند. برخی از آثار سند نیز بیشتر بر روی خاندان‌ها یا شخصیت‌های

متنفذ منطقه تکیه و تأکید داشته‌اند که از این دست می‌توان ترخان‌نامه یا بیگلارنامه را نام برد. البته این قبیل آثار آگاهی‌هایی نیز از جغرافیای تاریخی در اختیار می‌گذراند.

۳-۱. پیشینه تحقیق در تاریخ‌نگاری محلی هند

درباره تاریخ‌نگاری محلی هند از اوایل قرن هفتم تا اواسط قرن دوازدهم هجری، تاکنون پژوهش مستقل به صورت کتاب انجام نگرفته است، اما مطالعات و پژوهش‌هایی محدود و مختصر در قالب مقاله انجام گرفته‌اند.

با توجه به حوادث و تغییراتی که شبه‌قاره هند در دو قرن گذشته با آن مواجه شده و خساراتی که به فرهنگ ایرانی-اسلامی در آن دیار وارد آمده و نیز به دلیل تغییرات زبانی و محو بسیاری از این آثار و تألیفات، آن‌گونه که ایجاب می‌کند منابع مربوط به تاریخ‌نگاری محلی به زبان فارسی در دسترس یا موجود نبوده و نیستند و به همین دلیل، این موضوع کمتر نقد و بررسی شده است و اگر هم تحلیل و نقدی انجام شده، بیشتر به صورت منطقه‌ای بوده است تا به صورت کلی. با توجه به اینکه برخی محققان شبه‌قاره هند یا مستشرقان نیز در آثاری به زبان فارسی برای معرفی و شناخت آن مطالبی را نگاشته‌اند خودبه‌خود بر تاریخ‌های محلی هند هم توجه شده است. از جمله برجسته‌ترین این آثار، بررسی کتاب‌شناختی و دست‌نویس‌ها، از دارانو سروانجی مارشال است که هرچند به بررسی مختصر و معرفی بسیاری از این آثار از تاریخ‌های محلی اشاره داشته است، اما به نظر می‌رسد برخی از این آثار در کتاب‌شناسی‌های دیگر یافت نمی‌شوند. اشکال تألیف آن است که با وجود معرفی تاریخ‌های محلی، از نظر موضوع تفکیکی میان آثار نداشته است.

ادبیات فارسی استوری نیز به صورت موجز به بررسی مختصر و معرفی تعدادی محدود از این تألیفات اشاره دارد و جزئیات آثار را نیز بررسی نکرده است؛ هرچند کتاب‌هایی دیگر تحت عنوان فهرست‌نویسی، مانند کتاب‌شناسی آثار فارسی، چاپ‌شده در شبه‌قاره، از عارف نوشاهی، چاپ میراث مکتوب به سال ۱۳۹۱، یا کتاب‌شناسی آثار فارسی شبه‌قاره، در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که از سوی علی صدرایی خوبی سامان یافته به معرفی آثار متعدد پرداخته‌اند، اما از تألیفات مربوط به تاریخ‌های محلی شبه‌قاره اثری در این فهرست وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین آثاری که در عصر حاضر در باب تاریخ و ادب فارسی در شبه‌قاره هند از جمله، تاریخ‌نگاری محلی فارسی و تعداد آن در این سرزمین، مطالبی را نگاشته است دانش‌نامه

ادب فارسی است که به اهتمام آقای حسن انوشه و با پژوهش برخی محققان فراهم آمده است و بخش مفصلی از آن در سه مجلد به شبه‌قاره هند اختصاص یافته و در سال ۱۳۸۰ش، از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است. این اثر بیشتر فهرست‌وار است و در بخش تاریخ‌های محلی هند از آغاز تا پایان (قرن هفتم تا اوایل قرن چهاردهم هجری) از حدود ۱۸۰ اثر نام برده شده است که در ذکر برخی موارد غلط و مشکلات و نارسایی‌هایی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: برای مثال، در بیان تاریخ‌های محلی گجرات، کتابی به نام قلعه ماندو، آمده و آن را از نویسنده‌ای ناشناس دانسته است (اسماعیل پور، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۶۹۷) در حالی که این کتاب با نام تاریخ مظفر شاهی یا فتح ماندو - شادی آباد، موجود است و نویسنده و سراینده این منظومه شخصی به نام میرسیدعلی قانع‌ی بوده است.^۱ همچنین شماری از آثار که در دانش‌نامه تحت عنوان تاریخ محلی آمده‌اند، به صورت منظومه‌های اشعار از جمله مثنوی، یا انساب برخی خاندان‌های محلی هستند، برای مثال، در تاریخ محلی پنجاب احوال بابانانگ، و یا احوال جهندا سنگه، هر دو اثر از نویسندگانی ناشناس (انوشه، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۶۸۵-۶۸۹) که متأسفانه به دلایلی از جمله دسترسی نداشتن به بسیاری از منابع، از جمله تألیفات یادشده و فقدان این آثار، نمی‌توان در باب اجزا، محتوا و شکل آنها نظر داد.

در جایی که به ذکر تاریخ‌های محلی پنجاب پرداخته شده، کتابی به نام اسرار صمدی، از نویسنده‌ای به نام منشی رام سهای کلانوری آورده شده (اسماعیل پور، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۶۸۶) و همین کتاب را با نام این نویسنده درباره تاریخ‌های نوشته‌شده در باب کشمیر نیز ذکر کرده است (همان، ص ۶۹۲) در حالی که نویسنده آن، یعنی رام سهای، منشی و وابسته دستگاه عبدالصمدخان دلیر جنگ، ناظم پنجاب (۱۷۱۳-۱۷۳۷م) بوده است (همان، ص ۶۸۶).

برخی از این تاریخ‌های محلی شبه‌قاره هند دو یا چند نام دارند؛ برای مثال، نام دیگر بهارستان شاهی در باب تاریخ کشمیر، نامه شاهان کشمیر است، این کتاب را از مؤلفی ناشناخته دانسته‌اند (انوشه، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۵۱۷) در طبعی که از آن انجام شده، اثری از نام مؤلف نیست و سال تألیف آن را ۱۰۲۳ق، دانسته‌اند (حیدری کاشمیری، ۱۹۸۲، مقدمه) و در جایی احتمال داده‌اند که این اثر از شخصی به نام حسن (حسین) بن علی کشمیری باشد (مارشال، ۱۳۸۹،

۱. تاریخ مظفرشاهی - فتح ماندو یا شادی‌آباد را نگارنده در بهمن سال ۱۳۹۱، در کتابخانه مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی ملاحظه و بررسی کرده است.

ص ۲۴۶) ضمن اینکه احتمال می‌رود این حسن بن علی، همان ملاً حسن (حسین) قاری باشد که قبل از حیدرملک، مؤلف تاریخ کشمیر (۱۰۳۰ق) آن را تألیف کرده باشد (اصغر، ۱۳۶۴، ص ۲۷۱؛ ربیعان، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۵۱۷).

برخی از مهم‌ترین مقالات و تکی‌نگاری‌ها نیز که مربوط به یک ایالت یا منطقه جغرافیایی شبه‌قاره هستند تدوین شده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. مقاله «چچ‌نامه» یا «فتح‌نامه سند» از محمدرضا ناجی در، دانش‌نامه جهان اسلام (ج ۱۱ ص ۷۷۴-۷۷۷) که در سال ۱۳۸۶ چاپ شده به نقد و بررسی کتاب یادشده پرداخته و قوت‌ها و ضعف‌های آن را تحلیل کرده است اما به‌رغم تحلیل خوب نگارنده مقاله، به‌ویژه در باب منابع، وی در باب مجعولات نقل شده در اثر و نقد این‌گونه مطالب توضیح چندانی نداده است (ر.ک: ناجی، ۱۳۸۶، ج ۱۱).

۲. مقاله‌ای نیز با نام «ایالت سند در دوره تیموریان» یا «معرفی کتاب تاریخ معصومی»، از سوی سیدعلی آل‌داوود نوشته شده که در آن به‌اختصار به تحلیل محتوایی اثر پرداخته است، این مقاله بیشتر توصیفی بوده، و تحلیل خاصی نداشته و جنبه‌های اثر را مطرح نکرده و از نقد و بررسی آن چشم پوشیده است (ر.ک: آل‌داوود، ۱۳۸۳، ش ۲۶، ص ۱۳۱ و ۱۳۲).

۳. در زمینه کتاب ترخان‌نامه و نسخه‌های آن، مقاله هدی سیدحسین‌زاده در مجموعه مقالات سمینار زبان و ادبیات فارسی در سند، به سال ۱۳۸۳ از سوی خانه فرهنگ ایران در کراچی پاکستان به چاپ رسیده و دارای امتیازی است که از جمله می‌توان تحقیقات مؤلف در یافتن نسخه‌های جدیدی از آن اثر و برشمردن ویژگی‌های آن نسبت به نسخه‌های قبلی آن را یادآور شد، اما مقاله تحلیل محتوایی در این باره نداشته است (ر.ک: حُسنی‌دوست، ۱۳۸۳، ج ۱۲).

۴. جلد چهارم دانش‌نامه ادب فارسی هم در مقالاتی مختصر و مفید به معرفی مهم‌ترین تاریخ‌های محلی سند از جمله تاریخ‌های مربوط به قرن هفتم تا دوازدهم هجری پرداخته که بدانها اشاره خواهد شد (ر.ک: اسماعیل‌پور، ۱۳۸۰، «تواریخ سند»، ج ۴).

۵. «تاریخ‌نگاری فارسی در سند دوره حکومت مسلمانان» عنوان مقاله‌ای از محمدمهدی توسلی است که در مجله مطالعات شبه‌قاره (ش ۴، س ۱۳۸۹) به چاپ رسیده است؛ هرچند مؤلف به معرفی ویژگی‌های تواریخ سند در عصر بابری پرداخته، اما مقاله بیشتر فهرست‌وار و فاقد تحلیل دقیق است (ر.ک: توسلی، ۱۳۸۹، ش ۴، ص ۱۱۷-۱۲۶).

۶. در معرفی قدیمی‌ترین تاریخ کشمیر یا راج ترنگینی، مقاله «بازتاب روایت‌های همسان در کتاب راج ترنگینی و آثار ایرانی و سامی»، اثر مریم خلیلی جهان‌تیغ در فصلنامه پژوهش‌های ادبی (ش ۱۱، س ۱۳۸۰) درج شده است که در آن به تحلیلی از نخستین تاریخ محلی کشمیر و مقایسه آن با برخی متون ایرانی - اسلامی و ریشه‌یابی آنها پرداخته است. هرچند نویسنده کوشیده تا با استناد به کتاب‌های مقدس مسلمانان و دیگر ادیان الهی، مشابهت‌ها و همگرایی‌های اساطیر کشمیر با ادیان ابراهیمی را بسنجد، اما ضعف مقاله آن است که نتوانسته از منابع بیشتری سود جوید و با دقت مطالب را تجزیه و تحلیل کند (ر.ک: خلیلی جهان‌تیغ، ۱۳۸۵، ش ۱۱، ص ۸۱-۹۲).
۷. نقد و بررسی چند یادداشت درباره تصحیح تاریخ رشیدی نیز نقد و حاشیه‌ای بر کتاب و برخی پیشنهادها و انتقادها بر تصحیح آن است که نویسنده مقاله مهدی فرهانی منفرد در مجله آینه میراث (ش ۳۰ و ۳۱، س ۱۳۸۴) بدان اشاره کرده و به کاستی‌های مصحح در تبیین واژه‌ها و دادن آگاهی‌های لازم در تعلیقات اثر پرداخته است (ر.ک: فرهانی منفرد، ۱۳۸۴، ش ۳۰ و ۳۱، ص ۲۱۳-۲۱۹).
۸. در باب بعضی تاریخ‌های دکن نیز بررسی‌هایی صورت پذیرفته‌اند یا مقالاتی به چاپ رسیده‌اند؛ از جمله می‌توان به مقاله «تاریخ فرشته»، از ابوالفضل شکوری اشاره کرد که در آینه پژوهش (ش ۷، س ۱۳۷۰) طبع شده است، نویسنده بیشتر به اهمیت اثر اشاره داشته و در هفت‌بند کتاب را ارزیابی کرده است؛ از جمله به اهمیت اخبار سلاطین دکن و مناسبات آنان با صفویه پرداخته است. ضعف مقاله آن است که مؤلف می‌توانست با مطرح کردن مثال‌ها و دقت بیشتر به تبیین اهمیت کتاب پردازد (ر.ک: شکوری، ۱۳۷۰، س ۳، ش ۱، ص ۷۳-۷۷).
۹. برهان مآثر، نیز که در زمره مهم‌ترین نوشته‌ها در باب تاریخ محلی دکن است، از سوی مریم حسنی دوست، در مقاله‌ای بررسی و نقد شده که هرچند توصیفی نسبتاً مناسب همراه با بیان ویژگی‌های اثر است و به مختصات تألیف و توجه آن به سلسله‌های دکن، آداب و مناصب حکومتی و اتفاقات در شهرهای آنجا می‌پردازد، ولی فاقد نتیجه‌گیری و تحلیل دقیق بوده و بیشتر فهرست‌وار است (ر.ک: حسنی دوست، ۱۳۸۳، ج ۱۲).
۱۰. تاریخ‌نگاری در دکن براساس نسخه خطی تاریخ سلطان محمد قطب شاه، اثر محمود صادقی علوی، نقد و نظری است بر تاریخ‌نگاری دکن در دوره یادشده که در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (ش ۱۳۲) به چاپ رسیده است. مقاله تحلیل‌چندانی نداشته و بیشتر درصدد معرفی اثر بوده است (ر.ک: صادقی علوی، ۱۳۸۸، ش ۱۳۲، ص ۹۲-۹۵).

۱۱. درباره تاریخ بنگال و آسام (آشام) نیز در سال‌های اخیر مقالاتی تألیف شده‌اند که می‌توان به مقاله غیبی اصفهانی (مؤلف کتاب بهارستان غیبی) در دانش نامه ادب فارسی (ج ۴) اشاره کرد. نویسنده مقاله به اختصار ویژگی‌ها و محتویات کتاب بهارستان غیبی و آنچه را که این کتاب در بیان وقایع حاکمان دوران جهانگیر در بنگال داشته، برشمرده است (ر.ک: برزگر، ۱۳۸۰، «غیبی اصفهانی»، ج ۴).

۱۲. در خصوص اهمیت کتاب بهارستان غیبی، در وقایع بنگال مقاله‌ای دیگر وجود دارد که در دانشنامه جهان اسلام (ج ۴) درج شده، که نگارنده مقاله یادشده «صدیقی»، به اعتبار و اهمیت نوشته‌های بهارستان غیبی در بازگویی تاریخ بنگال عصر تیموری پرداخته است. به نظر می‌رسد اصل کتاب در اختیار نگارنده مقاله نبوده و به همین جهت درباره محتوا تبیین لازم صورت نگرفته است (ر.ک: صدیقی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۷۱۱ و ۷۱۲).

۱۳. در باب تاریخ آسام «آشام» نگاهشده‌های فتح‌الله مجتبابی در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۱) مطالبی درباره موقعیت تاریخ این سرزمین در سده‌های هفتم تا دوازدهم قمری دربر دارد، اما با توجه به اتقان و جامعیت این مقاله، نویسنده از آثاری مانند فتحیه عبرتیه (تاریخ آشام) که اطلاعات و آگاهی‌های ارزنده‌ای در باب این سرزمین و سوانح و رویدادهای اقلیم آن نگاهشده، مطلبی را ذکر نکرده است (ر.ک: مجتبابی، ۱۳۷۴، ج ۱).

۱۴. اهمیت تاریخ محلی دهلی و حاکمان آن نیز در مقاله «تاریخ غوریان و سلاطین دهلی در تاریخ مبارک شاهی» با نقد و نظریاتی از مجتبی تبریزی‌نیا در نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (ش ۷۹، س ۱۳۸۳)، به طبع رسید، در این مقاله نویسنده به اجزا و محتوای اثر پرداخته و به جز اهمیت و ارزش تألیف، از برخی معایب آن در تصحیح و چاپ کتاب نیز سخن گفته است (ر.ک: تبریزی‌نیا، ۱۳۸۳، ش ۷۱، ص ۶۴-۶۷).

شماری از محققان اعتقاد دارند علت تألیف و شکل‌گیری تاریخ‌نگاری محلی در شبه‌قاره هند، حکومت‌های مستقل یا نیمه مستقل محلی و منطقه‌ای بوده‌اند که با توجه به تفاوت‌های بسیار میان مناطق و ایالات هند و شرایط متفاوت آنها با همدیگر و نیز وجود نظام طبقاتی، این تمایزها سبب استقلال و جدایی آنها از حکومت مرکزی می‌شدند.

عامل دیگر در رشد تاریخ‌نگاری محلی در شبه‌قاره هند آن بود که این سرزمین در ادوار گذشته به جز برخی زمان‌ها، حاکمیت‌های متمرکز و مرکزی را کمتر به خود دیده است (خیراندیش، ۱۳۸۰، ش ۴، ص ۴۴ و ۴۵) البته این مطلب همیشه مصداق نداشته است؛ زیرا در

عصر تفوق گورکانی بر مناطق مختلف شبه‌قاره و در زمانی که ایالات مختلف زیر سیطره حکومت مرکزی بودند، به‌ویژه دوران اکبر و جهانگیر و گماشتگان آنان در ولایات و در نهایت عصر اقتدار تیموریان، بیشتر تاریخ‌های محلی تألیف شده‌اند (اصغر، ۱۳۶۴، ص ۲۹-۳۲؛ اسماعیل پور، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۶۸۳-۷۰۳).

با توجه به فحوای برخی از این آثار به نظر می‌رسد انگیزه‌هایی چون تشویق حاکمان، امیران و خاندان‌ها و رجال محلی، در شکل‌گیری بسیاری از این تألیفات تأثیرگذار بوده‌اند و در کنار آنها علاقه‌مندی و اشتیاق به زاد و بوم و به تعبیری حُب وطن و مفاخر قومی نیز در فراهم آمدن این تألیفات مؤثر بوده و نقش داشته‌اند.

به نظر می‌رسد با توجه به تنوعی که در تاریخ‌های محلی شبه‌قاره وجود دارد، تنها نمی‌توان آنها را از حیث انگیزه در قالبی مشخص دسته‌بندی کرد و این مسئله به عوامل بسیاری بازمی‌گردد، از جمله آنکه، هر کدام از ایالات از حیث موقعیت مکانی خاص خود، تابع مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با آن بوده است.

دوم، مسئله تفاوت فضا و میدان عمل و درحقیقت آسودگی خاطر نویسندگان تاریخ‌های محلی نسبت به مورخان دیگر، از جمله تاریخ‌نگاران سلسله‌ای است؛ چرا که مورخ تاریخ محلی در تبیین و مطرح کردن مطالب آزادی بیشتری بهره‌مند دارد، اما در تاریخ‌های دیگر از جمله سلسله‌ای، فرمانرواست که بایدها و نبایدها را مشخص می‌کند و مورخ به آنها محدود و مقید می‌شود، ولی در تاریخ‌های محلی این‌گونه نیست و وابستگی‌ها کمتر دیده می‌شوند.

سه دیگر اینکه، میزان نفوذ و اقتدار حکومت‌های مرکزی نیز در تألیف تاریخ‌های منطقه‌ای و موقعیت آنها در تأمین امنیت و ثبات سیاسی تأثیرگذار بوده و با توجه به این مسئله و امکانات و رفاه حاصل از آن، مقدمات رشد و پرورش استعداد‌های علمی و ادبی فراهم آمده است. در این باره می‌توان برای نمونه رشد تاریخ‌نگاری محلی در کشمیر و سند را در عصر شکوفایی تیموریان ذکر کرد؛ چرا که با توجه به ثبات و رفاه این منطقه بود که می‌توان شاهد تألیف بسیار و درحقیقت اوج رشد تألیفات تاریخ‌نگاری در آن برهه از تاریخ هند بود.

۱-۴. اهداف تحقیق

تبیین تاریخ‌نگاری محلی شبه‌قاره به زبان فارسی در این دوره زمانی (۶۱۳-۱۱۵۰ق)، هدف کلی کتاب حاضر است. دلیل اینکه چرا محدوده زمانی یادشده برای این تحقیق در نظر گرفته شده آن

است که با آنکه مهم‌ترین منابع تاریخ‌نگاری محلی شبه‌قاره در دوره زمانی مورد بحث نگاشته شده‌اند، با این حال، بسیاری از این تاریخ‌ها هنوز چاپ نشده و برخی که به طبع رسیده‌اند معرفی، تصحیح، تعلیق و پژوهش‌های جدی ندارند. دلیل دیگر در تبیین دوره زمانی مورد بحث آن است که تقریباً همه آثار معرفی شده در این کتاب، افزون بر تبیین تاریخ هند به مناسبات تاریخی این مناطق با همسایگان، به ویژه ایران، توجه خاص داشته‌اند علت این امر نیز آن است که بیشتر نویسندگان این آثار، فارسی‌زبان و ایرانی بوده‌اند. آخرین دلیل بر اینکه چرا دوره زمانی پس از قرن دوازدهم هجری در محدوده تحقیق کتاب حاضر مطرح نشده آن است که از این تاریخ به بعد، با نفوذ یا تهاجم استعمارگران غربی و غلبه زبان و فرهنگ دیگر در شبه‌قاره، با تأسف باید گفت از حجم آثار تاریخ‌نگاری محلی هند به زبان فارسی کاسته شد.

به جز هدف کلی، هدف‌های جزئی‌تر که امکان دستیابی به هدف کلی را فراهم می‌کنند، نیز در نظر بوده است که عبارت‌اند از:

۱. شناساندن تاریخ‌نگاری محلی به زبان فارسی در هند دوره یادشده؛
۲. معرفی، تجزیه و تحلیل مواد تاریخی موجود و بررسی مطالب بیان‌شده در آثار مختلف تاریخ‌نگاری آن دوره.

۱-۴-۱. پرسش‌ها

۱. کیفیت تاریخ‌نگاری محلی به زبان فارسی از قرن هفتم تا نیمه قرن دوازدهم هجری در هند چگونه بوده است؟
۲. سبک نگارش تاریخ‌نگاری محلی فارسی در مناطق شبه‌قاره هند چگونه بوده است؟
۳. میزان اعتبار و اتقان تاریخ‌های محلی فارسی در هند تا چه اندازه‌ای بوده است؟
۴. علل رشد تاریخ‌نگاری محلی به زبان فارسی در هند چگونه بوده است؟

۱-۴-۲. فرضیه‌ها

۱. بیشترین تاریخ‌های محلی فارسی مناطق مختلف شبه‌قاره در دوره مورد بحث، مربوط به سند و کشمیر بوده‌اند و درباره مناطق دیگر مانند دکن، دهلی و... آثار به اندازه دو ایالت یادشده نبوده‌اند، مهم‌تر آنکه تألیف بیشتر این آثار مربوط به قرن یازدهم هجری، یعنی دوره حکومت بابریان است؛
۲. گونه‌های محلی‌نگاری در هند عمدتاً به شیوه تاریخ‌نامه سلسله‌های محلی هستند؛

۳. تاریخ‌های محلی فارسی در هند دارای اعتبار و وثاقت بالایی هستند؛
۴. حکومت‌های محلی و ایجاد پایگاه‌های علمی در شبه‌قاره در رشد تاریخ‌نگاری محلی هند تأثیر داشته‌اند.

۵-۱. معرفی و نقد منابع

در این تحقیق از مآخذ و منابع متعددی بهره‌گیری شده که طیف گسترده‌ای از منابع تاریخی، ادبی، کتاب‌شناسی‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها و مقاله‌ها را شامل می‌شود.

۱-۵-۱. تاریخ‌های محلی

مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع استفاده‌شده در این کتاب که مشتمل بر آگاهی‌های ارزنده و قابل اطمینانی هستند، تاریخ‌های محلی‌اند. از اوایل قرن هفتم تا میانه سده دوازدهم هجری، در مجموع بیش از یکصد اثر شناسایی شده‌اند که برخی در موزه‌ها یا گنجینه‌های کتاب و نسخه‌های خطی نگهداری می‌شوند و مواردی نیز که به چاپ رسیده‌اند تعدادی هستند که تصحیح قدیمی و ابتدایی دارند و بیشتر آنها به تصحیح، تعلیق و تبیین نیاز دارد کاری اساسی و جدی برای آنها نشده و تنها چند مورد آن از روی نسخه‌های چاپ‌های قدیمی به صورت افسست در ایران، پاکستان و هند منتشر شده است. البته شماری از این تألیفات به واسطهٔ مصحح در مقدمه یا پی‌نوشت‌ها نقد و تحلیل شده‌اند.

۲-۵-۱. فهرست‌ها در تاریخ‌های محلی

فهرست‌ها یکی از انواع نگارشی و متون پدید آمده در تمدن اسلامی هستند که امروزه می‌توان آنها را «کتاب‌شناسی» نام داد. اصلی‌ترین ویژگی کتاب‌های فهرست که آن را از دیگر انواع آثار — مثل طبقات، رجال، معجم و تراجم — جدا می‌کند، توجه به آثار مکتوب است، نه نقل‌ها و گفته‌ها؛ البته نویسندگان و مؤلفان روش‌های متفاوتی در تدوین فهرست‌ها به کار می‌برند که گویای تنوع مخاطبان و کاربران آنهاست.

در زمرهٔ آثار یا فهرست‌هایی که در معرفی تاریخ‌های محلی کوشیده‌اند و افزون بر معرفی آن تألیفات، هرچند به اختصار، اطلاعاتی در باب تألیف و نویسندهٔ آن به دست داده‌اند، منابع کتاب‌شناسی هستند.

کشف الظنون، نوشته حاجی خلیفه (م ۱۰۶۷/ق ۱۶۵۶م) و ذیل آن، که اثر اسماعیل پاشا بغدادی بوده و مشتمل بر فهرستی از تألیفات تاریخی است، اگرچه به اختصار به آثار تاریخ محلی هند اشاره کرده و گاه فقط نامی از اثر برده و فاقد تحلیل است، اما پاره‌ای از تألیفات مربوط به قرن هفتم تا دوازدهم هجری متعلق به تاریخ‌های محلی هند در زمره فهرست آن هستند که از این دسته می‌توان تاریخ سند، اثر میرمعصوم (بغدادی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۱۶) تاریخ رشیدی، نوشته میرزا حیدر (حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۶) و هفت اقلیم، نگاشته رازی (همان، ۲۰۴۵، ج ۲) را نام برد.

کتاب ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، از جمله آثار کتاب‌شناسی است که درباره تاریخ‌های فارسی نوشته شده در هند، به‌ویژه تاریخ‌های محلی قرن نهم تا یازدهم هجری، مانند تاریخ سند میرمعصوم بکری، تاریخ فرشته و تاریخ رشیدی، به اختصار اطلاعاتی در اختیار می‌گذارد، البته بیشتر رویکرد اثر یادشده معرفی نسخه‌های خطی و محل نگهداری آنهاست و به دور از هرگونه نقد و تحلیل است (برگل، ۱۳۶۲، ص ۶۲، ۷۹، ۸۵ و ۸۶)، از دیگر آثار کتاب‌شناسی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، نوشته شیخ آقابزرگ تهرانی است که در برخی مجلدات آن آثاری از کتاب‌های تاریخ محلی هند یاد شده که از جمله می‌توان به تاریخ فرشته و اهمیت آن در تبیین تاریخ دکن (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۷۲) هفت اقلیم (همان، ج ۴، ص ۵۲) و تاریخ سند معصومی (همان، ج ۲، ص ۷) اشاره کرد. مؤلف الذریعه تنها شرح مختصری در باب مؤلفان نگاشته و گاه به سال تدوین آثار اشاره کرده است، ولی درباره محتوا و جزئیات تألیفات مطلبی نوشته است.

از دیگر تألیفات کتاب‌شناسی‌های معاصر که به تاریخ‌های هند به‌ویژه تاریخ‌های محلی آن اشاره داشته‌اند می‌توان از: فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان و نیز فهرست‌واره کتاب‌های فارسی، از احمد منزوی، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، از خان‌بابا مشار بیانی و فهرست نسخه‌های خطی فارسی (موزه ملی پاکستان)، از سیدعارف نوشاهی و فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش (مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان)، از محمدحسین تسبیحی نام برد. بیشتر این آثار نتیجه تحقیقات مفصل و طولانی این فهرست‌نویسان و تنها به صورت موجز و مختصر و معمولاً فاقد جزئیات هستند.

در سال‌های اخیر نیز آثاری در زمینه کتاب‌شناسی هند منتشر شده‌اند که مشتمل بر تألیفاتی از جمله تاریخ‌های محلی شبه‌قاره، مربوط به قرن هفتم تا دوازدهم قمری هستند، در این راستا باید از اثری با نام میراث مشترک ایران و هند، یا فهرست کتاب‌های چاپی کهن فارسی و عربی، در

کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی در قم نام برد (صدرایی خویی، ۱۳۹۱، مقدمه). اثر یادشده فهرست‌وار بوده و تنها به چند مورد از تاریخ‌های محلی اشاره دارد، بی‌آنکه اثری را بررسی کند. مغولان در هند یا بررسی کتاب‌شناختی دست‌نویس‌ها، از دارانوسروانجی مارشال را می‌توان اثری ارزنده در معرفی نسخه‌های مربوط به عصر تیموری هند دانست که بسیاری از تألیفات فارسی شبه‌قاره از جمله منابع و مصادر تاریخی، به‌ویژه تاریخ محلی، را دربر دارد و با اشراف و اطلاعاتی که نویسنده داشته است، آگاهی‌های خوب و فراوانی از نویسندگان نسخه‌ها، موضوعات و محتوای آثار به دست می‌دهد.

بی‌تردید کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان و بنگلادش)، نوشته از عارف نوشاهی، و طبع شده در سال ۱۳۹۱ از سوی میراث مکتوب را می‌توان از آخرین کتاب‌شناسی‌های منتشرشده دانست که نسبتاً با دقت تنظیم شده و در چهار مجلد، آثار متعددی را در رشته‌های مختلف از جمله تاریخ معرفی کرده است که از این تألیفات برخی تاریخ‌های محلی مربوط به قرن هفتم تا دوازدهم هجری هستند. به‌رغم گستردگی این مجموعه در معرفی آثار فارسی موجود در شبه‌قاره، تألیفات مربوط به تاریخ‌های محلی بسیار محدود و اندک‌اند.

فهرست‌واره مقاله‌های فارسی هندشناسی مشتمل بر مقالات هندپژوهی در مجلات ایرانی است که طی سال‌های متمادی به چاپ رسیده است مؤلف آن اباذر نصر اصفهانی، مقالاتی از تاریخ‌شناسی محلی شبه‌قاره، از جمله در باب چند مورد تاریخ محلی (دکن و سند) را با مشخصات آن به‌اختصار آورده است، البته این کتاب از حیث یافتن مقالات مرتبط با موضوعات ادبی و تاریخی مفید و مؤثر است. اثر یادشده از سوی نشر مجمع ذخایر اسلامی، به سال ۱۳۹۲ در قم منتشر شده است.

۱-۵-۳. منابع ادبی

از جمله دیگر آثاری که در باب تاریخ‌های محلی شبه‌قاره هند مطالبی را مطرح کرده‌اند و بسیار محل رجوع‌اند تذکره‌ها هستند. اگرچه درباره تاریخ‌های محلی از قرن هفتم تا نیمه اول قرن دوازدهم هجری در منابع ادبی گذشته، اطلاعات چندانی یافت نمی‌شود، مگر مواردی مانند تعدادی از تذکره‌ها که از این دست کتاب‌ها عرفات العاشقین و عرصات العارفین^۱ اثر، مربوط به

۱. اثر یادشده، در سال‌های اخیر (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ش) دوبار و با دو تصحیح مختلف از سوی انتشارات اساطیر و نیز میراث مکتوب و با همکاری مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است.

قرن یازدهم هجری است که به احوال و آثار امین احمد رازی و کتاب هفت اقلیم او اشاره دارد (اوحدی دقاقی بلیانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۶۴۴؛ همو، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۷۴). اثر بلیانی اگرچه در معرفی شماری از اشخاص معاصر خود کوتاهی کرده است، ولی در احوالات برخی افراد، از جمله رازی، جزئیات خوب و مناسبی از زندگی و شخصیت علمی و اجتماعی وی به دست داده است، یا تذکره میخانه، اثر فخرالزمانی قزوینی که به معرفی برخی آثار منظوم و مشور و نویسندگان آنها، از جمله مقام ادبی فیضی، مؤلف فتح‌نامه احمدآباد و تألیفات او پرداخته است (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۸ و ۲۴۹).

تذکره ذخیره الخوانین، از فریدالدین بهکری نیز از دیگر تألیفاتی است که به شخصیت‌های فرهنگی و تألیفات فارسی تاریخی مربوط به هند، از جمله سند، توجه کرده است (بهکری، ۱۹۶۱، ص ۲۰۱) متأثرالامراء، نوشته عبدالرزاق شهنوازخان، ملقب به صمصام‌الدوله (م ۱۱۷۱ق) از جمله آثار مهم و تذکره‌ای ارزشمند است که به احوال برخی نویسندگان آثار تاریخ محلی هند، یا معرفی این تألیفات اشاراتی داشته است (شهنوازخان، ۱۸۸۸، ج ۲، ص ۶۲۲) نثر این دو کتاب ساده و روشن است؛ اما افزون بر شخصیت‌های فرهنگی مؤثر به رجال سیاسی و القاب و عناوین آنها پرداخته است و شمار قابل توجهی از بزرگان محلی اقوام و امرای شبه‌قاره را دربر می‌گیرد.

تاریخ تذکره‌های فارسی، از احمد گلچین معانی نیز دربردارنده اطلاعاتی درباره آثار و تألیفات تاریخ‌های محلی شبه‌قاره، از جمله مؤلفان این کتاب‌هاست که در این باره می‌توان به تاریخ‌های کشمیر (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۳۱-۵۳۴، ۸۰۲ و ۸۰۵)، یا تواریخ محلی سند (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۳۵-۵۴۰) اشاره کرد. به‌ویژه اینکه تألیف یادشده توجه خاصی به تاریخ‌های سند، مانند بیگلرنامه و تاریخ میرمعصوم و شخصیت و احوال مؤلفان آن داشته است. در این باره اثر دیگر گلچین معانی، یعنی کتاب کاروان هند نیز دربردارنده مطالبی در باب برهان مآثر، در تاریخ دکن است (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۱۵ و ۲۱۶) معمولاً مطالب این دو اثر برگرفته از آثار گذشته و جمع‌آوری و نقل قول هستند.

همچنین کتاب تذکره‌نویسی در هند و پاکستان، اثر سیدعلیرضا نقوی، مطالب نسبتاً خوبی را به‌ویژه از مؤلفان آثار فارسی شبه‌قاره به دست داده است، که از جمله آنها می‌توان به تألیفات تاریخی و جغرافیایی امین احمد رازی، به‌ویژه هفت اقلیم او اشاره داشت (نقوی، ۱۳۴۳، ص ۱۱۶) به‌رغم انتظاری که از مؤلف بوده، با توجه به اشرافی که بر آثار دیگر تاریخ محلی هند، به‌ویژه سند و نویسندگان آن داشته، به تحلیل دقیق تألیفات نپرداخته است.

در میان تذکره‌های معاصر ادبی آثاری مانند تاریخ زبان و ادب فارسی در سند، از قاسم صافی به معرفی تاریخ‌های محلی فارسی در سند، از جمله تاریخ سند معصومی، تاریخ طاهری و ترخان‌نامه پرداخته است (صافی، ۱۳۸۷، ص ۵۲ و ۷۱). اثر دیگر این نویسنده، بهار ادب یا تاریخ مختصر فارسی در شبه‌قاره هند است که به برخی تاریخ‌های کشمیر و گجرات نیز اشاره کرده است (همان، ص ۱۰۰ و ۱۲۹) هر دو کتاب مختصر بوده و پیش از آنکه دربردارنده تحلیل باشند، صرفاً به معرفی آثار و مؤلفان آن و شاعران و ادیبان پرداخته‌اند.

تاریخ ادبیات در ایران، تألیف ادوارد براون انگلیسی هم به نمونه‌هایی از تاریخ‌های فارسی شبه‌قاره، از جمله آثاری در باب کشمیر و دکن، اشاره دارد. وی به اهمیت و امتیاز تاریخ رشیدی به واسطه قرابت نسبی مؤلف با بابر پرداخته و از تاریخ فرشته نیز به عنوان مأخذی مهم در تاریخ قرن‌های میانه هند و منطقه دکن یاد کرده است (براون، ۱۳۳۹، ص ۳۸۲ و ۵۵۰) در این تاریخ ادبی، شماری از مؤلفان تاریخ‌های محلی، یا شاعران از حیث احوال و زندگینامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تحلیل خاصی در این باره آنها وجود ندارد.

شعرالعجم، اثر شبلی نعمانی هم دربردارنده اطلاعاتی اندک در باب برخی آثار و تألیفات از تاریخ‌های محلی شبه‌قاره است. مؤلف اثر بیش از اینکه به محتوای آثار پردازد، بر زندگینامه و شخصیت نویسنده توجه کرده است (نعمانی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۵۱).

آثاری دیگر از جمله تاریخ نظم و نثر در ایران در زبان فارسی، تألیف سعید نفیسی در باب تاریخ‌های محلی هند به‌ویژه بیگلارنامه (بیگلرنامه) اطلاعاتی را به دست داده است اما فاقد تحلیل است (نفیسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۶۶).

ظهورالدین احمد، در اثر دوجلدی خود با نام تاریخ ادب فارسی در پاکستان، که تذکره‌ای جامع و متقن به نظر می‌رسد، به خصوصیات و ویژگی آثاری از تألیفات تاریخی محلی شبه‌قاره، مانند تاریخ‌های سند، کشمیر و بنگال اشاره کرده است (احمد، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۹۸؛ همو، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۷۸-۳۸۰، ۵۰۴ و ۵۰۷) این تألیف به‌رغم اطلاعات خوبی که درباره ایالاتی مانند سند مطرح ساخته از تبیین و بررسی آثار مناطق دیگر مانند پنجاب، چشم پوشیده، یا مطالبی درباره تاریخ بنگال نگاشته که قوت چندانی ندارند.

تاریخ ادبیات در ایران، تألیف ذبیح‌الله صفا در بررسی آثار فارسی و مشخصات آنها، ضمن معرفی کتاب‌های بسیار از تألیفات شاعران و ادیبان شبه‌قاره، به اختصار به آثاری از تاریخ محلی، از جمله فتح‌نامه سند (صفا، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۱۶۶) تاریخ دهلی (همان، ج ۴، ص ۴۷۳) تاریخ

دکن (همان، ج ۵، ص ۱۷۰۹) پرداخته است که نوآوری خاص، یا مطلب جدیدی ندارد و برگرفته از آثار دیگران است.

در تتبعات ادبی مربوط به شبه‌قاره، پژوهش‌هایی به صورت مقاله نیز وجود دارند که از جمله آنها می‌توان به مقاله مفصل «آغاز فارسی در شبه‌قاره و چگونگی ارتقای آن»، اثر ظهورالدین احمد اشاره داشت. نویسنده با بررسی تحولات فرهنگ و ادب ایرانی و زبان فارسی در بسیاری از مناطق شبه‌قاره، به تاریخ‌های محلی آن، از جمله در سند پرداخته است (احمد، ۱۳۷۸، ص ۸۵) ظهورالدین در سیر مطالب، دسته‌بندی خوب و جامعی از روند آثار فارسی از جمله تاریخ‌ها در مناطق مختلف هند از گذشته تا پایان عصر بابری داشته که البته بیشتر فهرست‌وار است.

۱-۵-۴. تاریخ‌های تاریخ‌نگاری

در میان محققان و نویسندگان معاصر ایرانی نیز کتاب‌های ارزشمندی در باب تاریخ تاریخ‌نگاری‌ها تحقیق و تألیف شده‌اند، که از جمله این آثار کتاب تاریخ‌نگاری در اسلام، نوشته سیدصادق سجادی و هادی عالم‌زاده است که به صورت مختصر و فشرده به تاریخ‌نگاری محلی پرداخته است. اما در این کتاب آثار شاخص در تاریخ‌نگاری محلی جهان اسلام معرفی شده‌اند و ضمن پرداختن به تاریخ‌نگاری اسلامی در هند، به معرفی آثاری از تاریخ‌های محلی آن از جمله اهمیت و ارزش تاریخ سند علی بن حامد کوفی، یا چچ‌نامه به عنوان نخستین آثار و تألیفات تاریخی اشاره شده، یا به تألیفاتی مانند تاریخ فرشته که بخش عمده‌ای از تاریخ‌های محلی شبه‌قاره از جمله دکن را دربر دارد، به‌اختصار مطالبی نقل شده است (سجادی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲-۱۰۴) اما تحلیلی درباره آثار یادشده ندارد.

روزنتال نیز به سنت تاریخ‌نگاری در هند اسلامی خلاصه‌وار اشاره کرده و آن را بیشتر منطقه‌ای دارای خودمختاری فرهنگی که باعث محدودیت آن ذکر شده، معرفی کرده است (روزنتال، ۱۳۶۶، ص ۱۹).

از جمله دیگر مناطق هند، کشمیر است که آثار و مطالبی در باب تاریخ تاریخ‌نگاری آن منتشر شده و در این کتاب نیز از آنها استفاده شده است، «نگاهی گذرا به تاریخ‌نویسی محلی راجع به کشمیر»، از واصل احمد است که در آن به سیر تاریخی و رونق این تاریخ‌ها در باب سرزمین کشمیر اشاره شده است (احمد، ۱۳۸۹، ص ۴۱۴-۴۲۶) ضمن آنکه در نوشتاری با نام تاریخ کشمیر کی چند قلمی نسخی، که به زبان اردو و از سوی سیدحسن عسکری تألیف شده است،

به نمونه‌های تاریخ‌نگاری محلی کشمیر پرداخته و توضیح دربارهٔ آثاری مانند راج ترنگینی، تاریخ حیدرملک و بهارستان شاهی نگاشته شده است (عسکری، ۲۰۱۰، ص ۲۷-۵۸). هر دو مقاله دربردارنده اطلاعات و آگاهی‌هایی از مضمون تاریخ‌های محلی کشمیر هستند اما تحلیل، بررسی و تقسیم‌بندی در آنها به چشم نمی‌خورد.

تألیفی با نام تاریخ و تاریخ‌نگاری، از محمدرضا ناجی و جمعی دیگر از نویسندگان نیز به تاریخ‌نگاری هند از جمله دوران اسلامی آن و به‌ویژه، وجود تاریخ‌های محلی اشاره کرده است. از این دست می‌توان به آثار قبل از اسلام در باب تاریخ‌های محلی، مانند راج ترنگینی از کلهن یاد کرد (ناجی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۷). همچنین از تاریخ‌های محلی دورهٔ تیموری، مانند تاریخ سند میرمعصوم بکری و ترجمه‌های راج ترنگینی (تاریخ کشمیر) از شاه‌محمد شاه‌آبادی ذکر به میان آمده است. نویسنده در اثر خود از تاریخ گجرات، بیگلرنامه (تاریخ سند) و تاریخ حیدرملک (تاریخ کشمیر) نیز نام برده است (همان، ص ۲۲۲ و ۲۲۳). نویسنده تنها درصدد معرفی و به دست دادن فهرستی از آثار بوده و به ویژگی و امتیاز این تألیفات اشاره‌ای نداشته است.

کتاب تاریخ‌نویسی در هند و پاکستان (تیموریان بزرگ)، اثر آفتاب اصغر، کتابی نسبتاً جامع و قابل اعتنا مربوط به دو قرن شکوه ادب فارسی از دوره بابر تا اورنگ زیب است و در میان تألیفات معاصر در این زمینه جایگاهی خاص و بااهمیت دارد؛ چرا که به‌رغم کاستی‌ها، این‌گونه آثار در زمینه تاریخ‌نگاری فارسی در شبه‌قاره کمتر وجود دارند، مؤلف کتاب، ۱۳۱ تألیف تاریخی را که به صورت منثور و منظوم و بیشتر به صورت نثر هستند، بررسی و تحلیل کرده و به ترتیب زمانی از عهد بابر تا پایان عصر اورنگ زیب (معروف به عالمگیر) مرتب ساخته است و در این راه از آثار بسیاری بهره‌جسته و کوشیده است تا مشخصات دقیق اثر، ویژگی‌ها و گاه نمونه‌ای از متن آن را بیاورد. البته مؤلف در معرفی برخی آثار با دقت تمام کوشیده است، برای مثال، در تبیین تاریخ سند معصومی کوتاهی نکرده، ولی تألیفاتی مانند ظفرنامهٔ احمدآباد را بسیار مختصر معرفی کرده است.